مسئولیت مدنی اطفال ناشی از تعدد اسباب در فقه و نظام حقوقی افغانستان

سید محمدرضا موسوی[1]

چکیده

ازآنجای که مسئولیت مدنی یکی از مباحث اصلی و مهم در حوزه حقوق مدنی است و از سوی هم تعدد اسباب، بخصوص که مسببان آن اطفال باشند، بسیار پیچیده و مهم است، چون اطفال بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می‌دهند و امکان دارد مانند سائر اقشار جامعه خواسته یا ناخواسته مرتکب فعل زیان‌بار برای دیگران شوند، و بدیهی است که هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند، لذا پژوهش حاضر درصدد بررسی مسئولیت مدنی اطفال ناشی از تعدد اسباب در فقه و حقوق افغانستان است که با روش توصیفی – تحلیلی در ابعاد فقه اسلامی(فقه امامیه و حنفی) و حقوق افغانستان، به دنبال بررسی مفاهیم طفل و سبب، همچنان مسئولیت مدنی و جبران خسارت ناشی از اسباب متعدد، درفرض‌های که به اسباب به‌صوت طولی، عرضی و یا اجمالی است، مسئولیت چگونه و متوجه چه کسی است؟، در گام دوم به شیوه‌های جبران خسارت پرداخته می‌شود که آیا عین همان چیزی که تلف‌شده جبران شود، یا بدل و معادل آن و یا این‌که میزان خسارت باید تعیین شود؟، و در اخیر اینکه خسارت از مال چه کسی پرداخت شود، از مال خود طفل یا از مال اولیاء و یا هرکسی که به هر نحوی مسئولیت نظارت و سرپرست کودک را به عهده دارد؟.

واژگان کلیدی: *مسئولیت مدنی، تعدد اسباب، اطفال، انواع اسباب، شیوه‌های جبران، فقه اسلامی و حقوق افغانستان.*

---

[1].دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی(mohammadrezamusawi۱۹۹۰@gmail.com)

مقدمه

با توجه به تغییر اوضاع و شرایط زمان و پیشرفت و ترقی انسان در عرصه صنعت و تکنولوژی، خواسته‌ها و توقعات بشر نیز بالا رفته است، در این میان اطفال که بخش عظیم از جامعه را تشکیل می‌دهند بیشتر از دیگر اقشار جامعه درصدد ترقی و پیشرفت و همچنان هماهنگ ساختن خویش با شرایط این عصر هستند؛ و با استفاده از وسایل کنونی مانند تلفن همراه، دوچرخه، موتورسیکلت و دیگر وسایل برقی که توأم با بی‌احتیاطی و احیاناً کم‌توجه اولیاء آن‌ها است، ممکن هم پیامدهای ناگوار جانی و مالی برای خو آنان در پی داشته باشند و از سوی موجب ایجاد خسارت و یا خسارات جانی و مالی برای دیگران شوند، چه‌بسا ممکن است بروز خسارات از سوی یک شخص باشد و گاهی هم از سوی اشخاص متعدد صورت بگیرد و حال سؤال این است که فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان چه کسی را مسئول جبران خسارات وارده از ناحیه اطفال می‌دانند؟ آیا خود طفل یا اطفال مسئول‌اند؟ یا اولیاء آن‌ها؟ در ضمن تشخیص موضوع زمانی دشوارتر است که خسارات ناشی از تعدد اسباب باشد، در فرض جبران خسارت طولی است، عرضی است، به‌صورت تساوی است، یا تشکیکی و شدد و ضعف سبب و یا مباشرتان و تسبیباً فرق می‌کند؟ این سؤالات و پروپوزال‌های است که ما با آن‌ها مواجه هستیم؛ این مقاله درصدد پاسخگویی «مسئولیت مدنی اطفال در فرض تعدد اسباب در فقه اسلامی و نظام حقوقی افغانستان» است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. طفل

در کتب لغت به فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا صغیر اطلاق می‌شود که در زبان عربی به آن طفل گفته می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ج۱۱، ۴۰۱ و جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج۱، ۵۱۵).

برخی کتب لغت کودک را به چند مرحله تقسیم‌بندی کرده‌اند که در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۲. جنین

در فرهنگ عمید و همچنان معجم الوسیط جنین را این‌گونه تعریف کرده است:جنین به کودکی گفته می-شود که در شکم مادر است و هنوز زاییده نشده(عمید۱۳۷۵،ج۱، ۷۰۸)، جمعی از نویسندگان،بی‌تا، ۱۴۱).

فیومی یکی دیگر از لغت شناسان معروف می‌گوید: جنین وصفی کودکی است تا زمانی که در شکم مادر است و با اجِنّه جمع بسته می‌شود. گر چند در کتب لغت کودک که معنی عربی آن طفل است، به جنین نیز اطلاق می‌شود ولی در محاورات عرف و لسان فقها چنین چیزی متداول نیست.(فیومی، بی‌تا، ۱۱۱).

۱-۳. رضیع

به کودکی بعد از تولد و در زمان شیرخوارگی رضیع گفته می‌شود(جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ۳۵۰)، فیومی، بی‌تا، ۲۲۹) عمید، ۱۳۷۵، ج۲، ۱۰۴۶).

۱-٤. ممیّز

ممیز از واژه تمییز گرفته‌شده و به معنی جدایی اشیاء از یکدیگر است و معمولاً در جای بکار می‌رود که دو یا چند چیز با یکدیگر مشتبه شده باشند، قرآن کریم در سوره انفال می‌فرماید: «لِیَمیزِ الله الخبیث من الطیّب» (انفال، ۳۷) تا این‌که خداوند افراد پلید را از پاکیزه جدا سازد. کودک ممیّز کسی است که می‌تواند سود و زیان خود را تشخیص دهد.(فراهیدی، بی‌تا، ج۷، ۳۹۴ ؛جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج۲، ۸۹۳ و ابن فارس، ۱۹۷۹، ج۵، ۲۸۹)، فیومی، بی‌تا، ۵۸۷) بر اساس قانون مدنی افغانستان ممیز کسی است که سن هفت‌سالگی را کامل و معتوه و مجنون نباشد ممیز است.« شخصی که از نگاه صغر سن، معتوه بودن، یا جنون، غیر ممیز باشد، نمی‌تواند معاملات حقوقی را انجام دهد. شخصی که به سن هفت‌سالگی نرسیده باشد غیر ممیز محسوب می-گردد» (قانون مدنی، ماده ۴۰).

۵-۱. مراهق

کودک مراهق، کودکی است که نزدیک به احتلام و در شروف بلوغ باشد چه دختر و چه پسر.(جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج۱، ۳۷۸)، همچنان در لسان العرب آمده است، کودک ده‌ساله، یازده‌ساله را مراهق گویند.(ابن منظور، ج۱۰، ۱۳۰). در فقه نیز صغیر به کسی گفته می‌شود که به سن بلوغ و رشد نرسیده باشد که سن بلوغ از منظر اغلب فقها امامیه تکمیل پانزده سال قمری برای پسران و تکمیل نه سال قمری برای دختران.(شهید ثانی، بی‌تا، ج۴، ۱۴۰)، طباطبایی،۱۴۱۸، ج۹،۲۳۷ ؛ نجفی، ۱۳۶۲،ج۲۶، ۵ ؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج۳، ۳۶۲ ؛ محقق ثانی، بی‌تا، ج۵، ۱۸۲ و علامه حلی، ۱۴۱۶، ج۷، ۱۱۰).

۲. سبب

باید توجه داشت که تفاوت است میان سبب فلسفی و اصولی، سبب در اینجا آن است که از وجود سبب وجود مسبب و از عدم آن عدم مسبب لازم آید.(شهید اول، ۱۳۷۲، ۲۵۴). اما در معنای فقهی آن میان فقها و حقوق‌دانان اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی از فقها سبب را فاعل ملزوم علت دانسته‌اند، مانند حفر کننده‌ی چاه، بدین معنی که حفر کردن چاه در معبر عام معمولاً موجب سقوط انسان یا حیوان در آن می‌شود، پس سقوط در چاه، لازمه حفر آن است یعنی چاهی باشد تا چیزی در آن سقوط کند، و از طرفی هم حفر آن، ملزوم سقوط هست.(شهید ثانی، ۱۳۰۹، ۳۲ ؛ اردبیلی، ۱۴۱۶، ۴۴۴ و شهید اول، ۱۴۱۴، ۱۰۷ ؛ حسینی عاملی، ۱۴۲۸، ۴۳ و طباطبایی، ۱۴۰۴، ۲۶۶). علمای اهل سنت نیز در معتقدند که هر کس سبب تلف یا نقص در مالی شود، باید مثل یا قیمت یا قیمت آن را بدهد.(ابن رجب،۱۴۰۷، ۱۷۱ ؛ الکاسانی، ۱۹۸۲، ۲۶؛ السیوطی، (بی‌تا)، ۱۵۴). برخی بر این عقیده‌اند که تسبیب عملی است که تلف به سبب آن صورت می‌گیرد، مانند انداختن اشیاء لغزنده در جاده که موجب زمین خوردن و مصدوم شدن عابر می‌گردد یا بی احتیاطی پدر و مادر نسبت به کودکشان مانند عدم برداشتن اشیا برنده از جلو کودک که موجب بریدن دست یا نقصی از اعضای بدن کودک شود. (نجفی، (۱۳۶۵)، ۴۶)، (حلی، (۱۴۰۳)، ۷۶۳). برخی دیگر بر این است که سبب چیزی است که از وجود آن وجود مسبب لازم نمی‌آید وگرنه علت تامه یا جزء اخیر علت تامه خواهد بود، لکن از عدم آن عدم مسبب یا خسارت لازم می‌آید. یعنی سبب می‌تواند به‌عنوان بخشی از علت تلقی شود مثلاً حفر چاه توسط یک نفر و گذاشتن سنگ توسط شخص دیگر، که در اینجا حفر چاه بخشی از علت به شمار می‌آید یعنی اگر سنگی سر راه نمی‌بود پای عابر به آن گیر نمی‌گرد داخل چاه سقوط نمی‌کرد یعنی سبب سقوط گذاشتن سنگ است؛ از طرف دیگر از چاهی نمی‌بود انسان یا حیوان تلف یا ناقص نمی‌شد. لذا حفر چاه بخشی از علت است.(فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵، ۵۳ و بجنوردی، ۱۳۹۱، ۱۱۹). امام خمینی ره در تعریف سبب می‌فرماید: منظور از سبب، هر عملی است که با انجام آن زمینه برای کارایی علت تلف فراهم می‌شود، به‌طوری‌که اگر آن عمل انجام‌نشده

مسؤلیت مدنی طفل ناشی تعدی سبابی فقه نظام حقوقی افغانستان

بود، علت تلف مؤثر واقع نمی‌شد. مانند کندن چاه و نصب چاقو و قرار دادن سنگ و ایجاد مانع در معبر عام.(امام خمینی ره، ۱۳۹۰، ۵۶۴).

تعاریفی که تا اینجا از سبب صورت گرفته است به نظر می‌رسد دقیق نیستند و شامل شرط نیز می‌شود، به همین خاطر برخی دیگر از فقها در تعریف سبب چنین می‌گوید: سبب هر نوع عملی است که از روی عادت از حدوث آن انتظار وقوع تلف می‌رود و تلف در حقیقت اثر عادی قابل‌انتظار آن فعل هست. (زنجانی، ۱۳۸۲، ۱۲۵). در مقایسه سبب و شرط باید گفت این دو، بر علاوه شباهت‌های که دارند باهم دیگر متفاوت هستند. شباهت آن‌ها این است که هر دو به‌طور ذاتی و بی‌واسطه در ایجاد تلف دخالت ندارند، آن‌گونه که علت و مباشر دخالت دارند، بلکه علت ایجاد تلف را پدید می‌آورند و همچنان هردو اگر نباشند نتیجه نیز به وجود نمی‌آید، اما تأثیر سبب در وقوع مسبب، قوی‌تر از تأثیر شرط در تحقق نتیجه است و شرط زمینه‌ساز است به گونه‌ی که در عرف جنایت و خسارت منتسب به آن نمی‌شود، برخلاف سبب که این انتظار در آن وجود دارد.(کرکی، ۱۴۱۰، ۲۰۷ ؛ حلی، ۱۴۱۹، ۲۲۱ ؛ شهید ثانی،۱۴۱۶، ۱۶۳).

خلاصه این‌که فرق بین سبب و شرط این است که باوجود سبب وقوع تلف و خسارت انتظار می‌رود ولی از وجود شرط وقوع تلف و خسارت انتظار نمی‌رود. به همین جهت در هر موردی که علت و سبب وجود داشته باشد ضمان و مسئولیت ثابت می‌شود ولی در صورت وجود شرط چنین چیز متصور نیست.(نجفی، (۱۳۶۵)، ۹۶). هر آنچه تا این مرحله موردبررسی صورت گرفت، می‌توان به‌عنوان مقدمه و ورود به بحث اصلی است، دغه دغه و چالش اصلی این نوشته مسئولیتی است که در اثر تعدد اسباب ایجاد می‌شود، آنچه از نوشته انتظار می‌رود که مطالب آتی حل اقل دو مسئله اساسی و کلیدی را پاسخگو باشد:

۱ـ خسارت یا خسارت‌های که توسط فعل زیان‌بار دو یا چند کودک به وجود می‌آید، جبران و مسئولیتش به عهده چه کسی است؟.

۲ـ مسئولیت ایجادشده به چه صورت است؟.

۳. انواع اسباب

فقها و حقوقدانان برای مسئولیت ناشی از تعدد اسباب، اسباب را به سه نوع تقسیم کرده‌اند که در هر سه تا فرض، نظریاتی متفاوتی مطرح‌شده‌اند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:

۱-۳. اسباب طولی

هرگاه در یک حادثه دو یا چند سبب یکی پس از دیگر تأثیر بگذارند و موجب حادثه گردد، در این صورت اجتماع اسباب طولی محقق می‌شود. به‌عنوان‌مثال ماشین سنگین‌بار در جاده در حال حرکت است و به

علت نقص فنی در ترمز و بی‌احتیاطی راننده به ماشینی که جلواش درحرکت‌اند می‌خورد و داخل ماشین و راننده ماشین جلویی در حال رانندگی با وسیله فلیزی گوشش را می‌خاراند و به پره گوشش ضربه وارد. یا کودکی در حال بازی کردن با توپ دوستش داخل کوچه است توپ را با ضربه شوت می‌کند طرف دوست دومش و آن به خاطر جلوگیر از آسیب احتمالی به صورتش از خود دفاع می‌کند و توپ را از خود دفع می‌کند و می‌خورد به شیشه‌ی همسایه. حال پرسش این است که در این دو مثال چه کسی مسئول جبران خسارت وارده است؟! که در ادامه چند نظریه مطرح است که موردبررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۳. نظریه ضمان مقدم در تأثیر

به نظر مشهور فقهای امامی، هرگاه سبب به‌صورت متعاقب موجب خسارت شوند، سببی ضامن است که تأثیر آن در ایجاد خسارت، نسبت به سایر اسباب مقدم باشد ولو این‌که در پیدایش، هم‌زمان و حتی مؤخر باشد. قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می‌دارد « هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند اینکه یکی گودال حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد. حال در این صورت کسی که سنگ را گذاشته ضامن است، مگر اینکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». (ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی). و مشهور فقها معتقدند و می‌فرمایند که مطابق این مثال اگر سنگ نبود سبب قبلی از اساس مؤثر واقع نمی‌شد.(حلی، ۱۳۷۸، ۲۶۶، شهید ثانی، ۱۴۱۶، ۳۸۱ ؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۱۹۷؛ امام خمینی، ۱۳۹۰، ۵۱۲).

مواردی فوق در صورتی است که هر دو تعدی کرده باشند ولی هرگاه فقط یکی از آن‌ها، مرتکب عدوان شده باشد، ضمان مختص به اوست، مثل کسی که در ملک خود چاه بکند و دیگری به عدوان سنگی کنار آن قرار دهد و کسی پایش به آن گیر کند و داخل چاه سقوط کند، مسئولیت متوجه کسی است که سنگ را گذاشته است. (امام خمینی، ۱۳۹۰ ، ۲ـ۵۱۲، نجفی، ۱۳۶۵، ۴۳ـ۱۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۲۵ ، ۲ـ۱۸۱؛ سرخسی، ۱۴۲۰، ۱۸۵). البته اشکالات و نظریات دیگری از این زمینه مطرح که در این مختصر مجال پرداختن به طرح اشکال و پاسخ به آن و نظریات بیشتر نیست.

۲-۱-۳. نظریه تساوی

فقهای حنفی و قانون مدنی افغانستان و همچنان برخی فقهای امامیه و حقوقدانان، بر این عقیده‌اند، که درصورتی‌که اسباب متعدد باشند و تعدد اسباب در طول هم موجب بروز جنایتی شوند، در جبران خسارت و مسئولیتی که متوجه آنان است، نظریه اشتراک و تساوی را برگزیده‌اند، که در اسباب عرضی نیز اشاره می‌شود چون تلف و خسارتی که به وجود آمده ناشی عمل عدوانی یا غیر عدوانی همه آن‌ها، مشترک است، در تقدم

و تأخیر بودن فعل، نمی‌توان جبران یکی را بر دیگری یا دیگران ترجیح داد البته برخی‌ها این نظریه را نپذیرفته‌اند و گفتند که این‌گونه تقسیم منجر به بی‌عدالتی می‌گردد چون تأثیرگذاری همه آنان به‌صورت مساوی نیستند، و این نظریه در جای کارساز و مفید است که تأثیرگذاری اسباب قابل‌تشخیص نباشند.(ژوردن، (۱۳۸۲)، ۷۳. مثلاً هرگاه نزدن قلاده به سگ منجر به آسیب کودکی شود، ممکن است عوامل زیادی در این حادثه دخیل باشد مانند تقصیر صاحب سگ، حرکات تحریک‌آمیز کودک، تقصیر عابران در نظاره و عدم کمک و جلوگیری از آسیب، تقصیر راننده اورژانس در نرسیدن به‌موقع و تقصیر پزشک در عدم درمان درست و...؛ اگر در این نظریه همه اسباب را به‌صورت یکسان مسئول بدانیم ممکن است برخی از اسباب و عوامل آن‌قدر ضعیف و کم تأثیر باشد که از نگاه عرفی و انصاف حتی سبب محسوب و نشود و خیلی معتنابه نباشد.(همان، ۲۷). قانون مدنی افغانستان نیز در صورت تعدد مسئولان فعل مضر حکم به‌تساوی جبران خسارت نموده‌اند.«هرگاه مسئولین فعل مضر، متعدد باشند، در جبران خسارت مسئولیت مساوی دارند. مگر این‌که قاضی حصه‌ای هرکدام را در جبران خسارت تعیین نماید». (ماده ۷۸۹ قانون مدنی افغانستان).

۳-۱-۳. نظریه سبب بلا واسطه یا متصل به نتیجه

بر اساس این نظریه آخرین سبب که بدون واسطه و متصل به نتیجه شده مسئول پنداشته می‌شود، ممکن است اسباب و عوامل متعدد دیگر در به وجود آمدن خسارت دخیل باشد، ولی عرف و منطق آخرین سبب را مسئول می‌دانند. مثلاً کسی دیگری را با چاقو مجروح می‌کند، دیگری به‌قصد بند آمدن خون پارچه غیربهداشتی را روی زخم می‌گذارد که منجر به عفونت زخم می‌شود، راننده اورژانس هم تأخیر می‌کند و پزشک در معالجه وی کوتاهی می‌کند و درنتیجه مجروح فوت می‌کند، مطابق این نظریه پزشک سبب فوت مجروح شده و مسئول پنداشته می‌شود، اشکال این نظریه این است که تأثیرگذاری و سهم عوامل دیگر را که ممکن عامل یا عوامل اصلی باشند، در نظر نگرفته‌اند.(ژوردن، ۱۳۸۲، ۷۶).

٤-۱-۳. نظریه سبب متعارف

مطابق این نظریه، در میان علل و اسباب گوناگون که در حدوث نتیجه نقش دارند، می‌بایست خسارت را به سببی منتسب نمود که معمولاً و برحسب جریان عادی امور موجب پیدایش ضرر شده است، بر طبق این نظریه کسی مسئول سببی است که به‌طور متعارف موجب خسارت و ضرر گردیده است و مطابق این نظریه باید میان سبب ورود ضرر و شرایطی که زمینه را برای ایجاد زیان فراهم کردند، فرق گذاشت و باید دید که ازنظر عرف چه چیزی باعث به وجود آمدن خسارت شده‌اند؟، عواملی ضعیف و کم تأثیری را باید کنار گذاشت و عاملی که به شکل متعارف موجب خسارت گردیده، شناسایی کرده و مسئولیت را متوجه او ساخت، و برای تشخیص این ارتباط و سنخیت، باید به داوری عرف مراجعه کرد و علم نیز در این زمینه ما را یاری خواهد کرد.(کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۸۶). این نظریه دارای نکات مثبتی است، زیرا از یک‌سو به ارتباط مناسب بین عمل مرتکب و

حادثه زیان‌بار توجه کرده است و از سوی هم ملاکی که برای تعیین سبب مطرح‌شده امکان عینی تعیین سبب را در اغلب موارد ممکن می‌دارد. بدیهی است که دادگاه باید در هر مورد با توجه به شرایط وقوع حادثه و با استفاده از نظریات علمی و کارشناسان، رابطه سببیت بین رفتار شخص و صدمه وارده را احراز نماید. (صفایی، ۱۳۹۰، ۲۰۰). ناگفته نباید گذاشت که تشخیص سبب متعارف واصلی ساده نیست، پیچیدگی و دشواری خود را دارد و بر دادگاه است که با استفاده از نظریات عملی و کارشناسان این امر، سبب متعارف را تشخیص دهد.

۲-۳. اسباب عرضی

هرگاه دو یا چند نفر به کمک در ارتکاب یک فعل زیان‌بار مشارکت داشته باشند، اسباب عرضی بر آن ثابت است. مثلاً در پارک عمومی بچه‌ها در حال بازی و دوش‌اند و دو یا چند نفر دیگر از روی شیطنت طناب را جلوی پای آن قرار می‌دهند و با گیرکردن پای یکی از آن‌ها به طناب، زمین می‌خورد و مصدوم می‌شود. حال در این‌گونه موارد کدام‌یکی از آن دو یا چند نفر مسئول‌اند؟!. در ادامه نظریات فقها و حقوقدانان را پی می‌گیریم.

۱-۲-۳. نظریه تساوی

بسیاری از فقها و حقوقدانان در جای که دو یا چند نفر سبب واحدی را ایجاد کنند به‌صراحت به‌تساوی مسئولیت حکم نموده‌اند، هرچند میزان قوت اسباب متفاوت باشد. در این خصوص حضرت امام ره می‌فرماید: هرگاه دو نفر یا بیشتر مثلاً در قرار دادن سنگی اشتراک پیدا کنند ضمان بر تمام آن‌ها است و ظاهر این است که ضمان بین آن‌ها به‌صورت تساوی است اگرچه قوای آن‌ها مختلف باشد». (امام خمینی، ۱۳۹۰، ۱۱۱). همچنین آیت‌الله خویی ره می‌فرماید: « اگر عده‌ای باهم، کاری انجام دهند که منجر به قتل یکی از آن‌ها به‌صورت خطا گردد، مثلاً موقع فروریختن دیوان دیوار توسط چند نفر یکی از آن‌ها زیر آوار رفته و کشته می‌شود، در اینجا دیه بر همه خراب کنندگان ازجمله مقتول توزیع‌شده و هر کس باید مقدار دیه مربوط به خود را به اولیاء دم بدهد، بدون اینکه به میزان نقش و توان آن‌ها در ایجاد حادثه توجه شود».(مبانی تکملهٔ المنهاج،بی‌تا، ۲۵۵). قانون مدنی افغانستان نیز در صورت تعدد مسئولان فعل مضر حکم به‌تساوی جبران خسارت نموده‌اند.«هرگاه مسئولین فعل مضر، متعدد باشند، در جبران خسارت مسئولیت مساوی دارند. مگر این‌که قاضی حصه‌ای هرکدام را در جبران خسارت تعیین نماید». (ماده ۷۸۹ قانون مدنی افغانستان).

۲-۲-۳. نظریه نسبت تأثیر

این نظریه بدین معنی است که اگر خسارت و زیانی ناشی از اسباب متعدد باشد و شدت و ضعف و تأثیرگذاری یکی بر درگیری قوی‌تر باشد، مسئولت به میزان تأثیرگذاری قابل جبران است. قانون مجازات اسلامی در این زمینه بیان می‌دارد «هرگاه دو یا چند، عامل برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع

جنایتی، تأثیر داشته باشد، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول‌اند. درصورتی‌که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب ضامن است». (ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹). قانون مدنی افغانستان درصورتی‌که اجتماع مباشر و مسبب باشد چنین حکم می‌کند « در صورت اجتماع مباشر و مسبب، هریکی از آن‌ها که متعدی یا معتمد باشد، ضامن شناخته می‌شود. در صورت اشتراک هر دو مشترکا به تأدیه ضمان مکلف پنداشته می‌شوند. (ماده ۷۶۳ قانون مدنی افغانستان).

قانون مسئولیت مدنی ایران هم مقرر می‌دارد«... هرگاه چند نفر مجتمعاً زیانی وارد آورند متضامناً مسئول جبران خسارت وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد». (ماده ۱۴ مسئولیت مدنی). برخی از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که تقسیم مسئولیت بنا به تأثیرگذاری یکی از اسباب منطقی‌تر به نظر می‌رسد ولی اصل در جبران خسارت، تساوی است مگر این‌که ثابت شود که فعل یا «تقصیر» یکی از افراد مسئول، بیشتر یا کمتر از دیگری مؤثر بوده است. (صفایی، ۱۳۹۰، ۲۲۶).

۳-۲-۳. نظریه تقصیر

گاهی واژه تقصیر با تأثیر باهم خلط می‌شوند و یا ممکن است آن دو یکی پنداشته شود و حال‌آنکه باکمی تأمل فرق آن دو بسیار روشن است. مثلاً ممکن است کسی در به وجود آوردن فعل زیان‌بار مقصر باشد ولی میزان تأثیرگذاری‌اش کم باشد و برعکس ممکن است شخصی تقصیر نداشته باشد یا تقصیرش کم باشد ولی تأثیرش بر ایجاد ضرر زیاد باشد؛ لذا همیشه تقصیر یا تقصیر بیشتر باعث تأثیر بیشتر نیست. قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می‌دارد « هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است... و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به‌گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است». (ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی). قانون مدنی افغانستان نیز کسی را که به اثر خطا یا تقصیر ضرر به دیگری وارد نماید مکلف به جبران خسارت می‌پندارد « هرگاه به اثر خطا و یا تقصیر ضرری به غیر عاید گردد، مرتکب، به جبران خسارت مکلف می‌باشد».

٤-۲-۳. نظریه تضامن

برخی از حقوق‌دانان مانند دکتر کاتوزیان، امیری قائم‌مقامی و دکتر امامی بر این عقیده‌اند درصورتی‌که مسئولان بروز خسارت متعدد باشند مسئولیتش تضامنی خواهد بود چون آنان باهم خسارت را ایجاد کردند و نمی‌توان چنین مسئولیت را تجزیه کرد و برای اثبات نظریه خودشان به برخی قوانین موضوعه استناد کرند و معتقدند در ایجاد مسئولیت نوعی همبستگی و ارتباط بین ضامنان به وجود می‌آید در اصطلاح تضامن گفته

می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۹۵ ؛ امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸، ۳۰۶). آقای امامی در این مورد می‌گوید «... می‌توان از ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی کمک خواست و استنباط نمود که تمامی اشخاص که همگی به‌وسیله فعالیت مستقیم خود مرتکب خسارت شده‌اند، متضامنا مسئول جبران در مقابل متضرر باشند... ماده ۱۴ گر چند در کارگران و کارفرمایانی است که مشمول قانون کار هستند، ولی چون حکم «تضامنی) بر مبنای فعالیت چند نفر در ایجاد امر واحد است نه بر مبنای مسئولیت در قانون کار، بنابراین می‌توان حکم ماده را بر تمامی موارد مشابه سرایت داد». (امامی، ۱۳۵۱، ۴۴).

۳-۳ . اسباب اجمالی

در اسباب طولی و عرضی نظریات مطرح و بررسی گردید که اسباب ایجاد زیان به نحوی معلوم و مشخص بودند، اما در اسباب اجمالی مسببیانی که موجب بروز حادثه شدند به‌صورت مشخص و تفصیلی معلوم نیست، بلکه علم اجمالی وجود دارد که حادثه‌ای پدید آمده منتسب به دو یا چند سبب است. مثلاً تعداد از کودکان در تفریحگاه مشغول بازی و سنگ‌اندازی که ناگاه سنگی به شیشه ماشین یا به بدنی یکی از افراد موجود اصابت می‌کند، حال معلوم نیست که از میان مثلاً پنج کودک سنگی کدام‌یکی اصابت کرده است و خسارت توسط که جبران شود؟!. (راعی، و شریفیان، ۱۳۷۷، ۹۱). برای روشن شدن این پرسش نظریات مطرح‌شده از سوی فقها را در ادامه پی می‌گیریم.

۳-۳. سائر نظریات

۱-۳. تخییر قاضی

در دوران بین محذورین اگر دلیل اجتهادی برای روشن شدن حکم شرعی وجود نداشته باشد و به هر دو تکلیف هم نشود عمل کرد، در انجام یکی از آن دو مخیر است.(گلپایگانی، ۱۳۷۸، ۲۸۶). با استناد به این قاعده قاضی مخیر است که از میان چند سبب حکم به مسئولیت یکی از آن‌ها نماید.

۲-۳. تعیین مسئول با قرعه

درصورتی‌که برای روشن شدن یک‌یک امر تمام راه‌های شرعی و قانونی مسدود باشد، در فقه قرعه را به سبب ناچاری و برای اینکه هیچ خسارت بدون جبران نماند و از سوی هم میان مسببانی که علم اجمالی وجود دارد ترجیح بلا مرجح نشود، به قرعه تمسک کرده است و این امر شاید از باب تن دان به قضای اللهی و از سوی هم روایتی نیز در این زمینه وجود دارد.(شکاری، ۱۳۷۱، ۲۸۶). بسیاری از فقها قائل بر این‌اند که وقتی برای روشن شدن یک موضوع هیچ دلیل قطعی وجود نداشته باشند، قرعه تنها راهی است که به آن تمسک کرد. (مرعشی نجفی، ۱۴۱۲، ۱۵۶). امام خمینی ره در پاسخ به این پرسش که: «اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هرکدام ادعا کند که دیگری کشته است، چه باید کرد؟»، فرموده است: با گفته یک نفر قاتل بودن ثابت نمی-

شود و در صورت علم اجمالی به قاتل بودن یکی از دو نفر معین، اگر حجت شرعی بر قاتل بودن یکی نباشد و نوبت به دیه برس، دیه را باید به قرعه از یکی می‌توان گرفت. (امام خمینی ره، ۱۳۹۰، ۱۶۳).

۳-۳. توزیع مسئولیت

نظریه دیگری که برای جبران خسارت و در نظر گرفته‌شده است، نظریه توزیع مسئولیت است، در این‌که مسئولیت را چگونه تقسیم کرد دو نظر وجود دارد یک نظریه این است که مسئولیت باید به‌صورت تساوی میان مسببان تقسیم گردد و نظریه دیگر این است که باید به‌صورت تضامنی میان مسببان جنایت تقسیم کردد، گر چند هرکدام از نظریات طرفدارانی خودش را دارد، مثلاً نظریه تضامنی گر چند به نفع زیان‌دیده است ولی برخی از علما آن را به‌عنوان نظریه قبول ندارند، و نظریه تساوی را که بسیاری از فقها پذیرفته‌اند و اشکالی که بر آن گرفته‌شده این است که، وقتی عامل اصلی درواقع یکی باشد چگونه دیگری را که هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد، مسئول بدانیم. به هر صورت از میان این دو نظریه، درصورتی‌که به قضیه علم اجمالی داشته باشیم، نظریه تساوی بهتر به نظر می‌رسد و بسیاری از فقها پذیرفته‌اند.(صفایی، ۱۳۹۰، ۲۱۶ ؛ یزدانیان جعفری، ۱۳۷۶، ۱۶۰ ؛ کرمی، ۱۳۷۷، ۹۲).

٤-۳. جبران خسارت از بیت‌المال

جبران خسارت زیان‌دیده و بخصوص دیه قتل کسی که هیچ‌گونه دلیل قطعی یا ظنی، برای تشخیص عامل زیان وجود نداشته باشد، از بیت‌المال پرداخت خواهد شد، مثلاً کسی در خیابان به قتل رسیده و هیچ‌گونه دلیلی قطعی یا ظنی، در این مورد وجود ندارد دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. و یا کسی که در راه‌پیمایی‌ها و امثالهم کشته می‌شود و دیه‌اش را بیت‌المال پرداخت می‌کند.(امام خمینی ره، ۱۴۰۹، ۴۷۵). البته قاعده کلی این است که هرگاه مسلمانی را کشته بیابند و قرائن ظنی برای قاضی در مورد قتل او به شخص یا اشخاص معینی وجود نداشته باشد، دیه او از بیت‌المال پرداخت می‌شود. البته نظریاتی دیگری نیز در این زمینه مطرح است که مجال و همچنان لزومی در این مختصر نیست.

٤.جبران خسارت

یکی از اهداف مهم و اساسی مسئولیت مدنی جبران خسارتی است که به دیگری واردشده است، در این مسئله هیچ‌یک از فقهای امامیه و اهل سنت و همچنان حقوقدانان اختلاف‌نظر ندارد، ولو این‌که خسارات وارده از سوی طفل باشد، چون حقی از دیگری ضایع‌شده و باید جبران شود، به استناد این حق درصورتی‌که تمام ارکان و شرایط مسئولیت مدنی جمع باشد، زیان‌دیده می‌تواند با رجوع به انجام دهنده، فعل زیان‌بار خواهان جبران خسارت وارده برای خودش شود و صغیر زیانکار نیز ملزم شود تا ضرری را که به او نسبت داده‌شده

است، جبران کند. به‌این‌ترتیب رابطه دینی یا تعهد بین زیاد دیده و عامل ورود زیان به وجود می‌آید، رابطه‌ای که درنتیجه مسئولیت مدنی ایجادشده است.(کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۵۷).

جبران خسارت یکی اصول مهم و اساسی مسئولیت مدنی است که باید جبران شود، فرقی ندارد که زایان از سوی چه کسی واردشده خواه واردکننده زایان بالغ باشد، صغیر باشد، مجنون و یا حتی حیوان باشد، درهرصورت باید جبران شود. در حقوق افغانستان جبران خسارت رایج‌ترین روش در برابر اعمال مضر است. اعمال مضر در قانون مدنی افغانستان در موارد مربوط به احکام کلی، یعنی مواد ۷۷۶ تا ۷۸۹ تحت عنوان فعل مضر به ترتیب از شدیدترین تا خفیف‌ترین نوع آن توضیح داده‌شده است، در فقه حنفی نیز جبران ضرر به معنای اعاده، ازاله ضرر و تاوان بکار رفته است.(ابن ماجه، بی‌تا، ۷۸۴).

خسارت مالی را در فقه حنفی چنین تعریف می‌کند: خسارت مالی هر نقصی است که داخل در اعیان می‌شود و ضد نفع است.(سرخسی، (۱۴۲۱)، ۳۰۷). قانون مدنی افغانستان نیز تلف و از بین بردن مال را یکی از بارزترین مصادیق خسارت مادی می‌داند: «شخصی که مال غیر را تلف کند به ضمان ضرر ناشی از آن مکلف است». (ماده۷۵۸ قانون مدنی). و اتلاف چه عمدی و یا غیرعمدی باشد موجب ضمان است و متلف ملزم به جبران است. « شخصی که مال غیر را خواه در تصرف خودش باشد یا امین او از روی قصد و یا بدون قصد تلف کند به ضمان ضرر ناشی از عمل خود مکلف شناخته می‌شود». (ماده ۷۵۹ قانون مدنی).

۵.شیوه‌های جبران خسارت

همان‌گونه که در تقسیم‌بندی مسئولیت مدنی و جبران خسارت ناشی از اسباب متعدد بیان شد، در اینجا نیز روش و نوع جبران خسارت را بررسی می‌بینم که به چه صورت انجام شود، جبران خسارت باید متناسب با ضرری باشد که به زیان‌دیده واردشده است، یعنی بین جبران خسارت و ضرر واردشده باید سنخیت عرفی وجود داشته باشد. قانون مدنی افغانستان در این زمینه مقرر می‌دارد: « محکمه جبران خسارت را به‌تناسب ضرر عایده تعیین می‌نماید، مشروط بر اینکه ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر نشاءت کرده باشد». (ماده ۷۷۹ قانون مدنی).

۱-۵.جبران عینی خسارت یا اعاده به وضع سابق

بر اساس این روش بنابراین است که خسارت وارده طوری جبران شود که گویی فعل زیان‌بار و خسارت اصلاً وارد نشده است و قانون‌گذار افغانستان این نوع جبران را پذیرفته است مثلاً در مورد غصب مقرر می‌دارد: «غاصب بر آنچه غصب کرده مکلف است». (ماده ۷۶۵ قانون مدنی افغانستان). فقهای حنفی نیز جبران به‌عین و برگرداندن به وضعیت سابق را به‌عنوان یکی از روش‌های جبران خسارت پذیرفته‌اند. (سرخسی، ۱۴۲۱، ۱۱).

۲-۵.جبران خسارت از راه دادن معادل یا بدل

جبران خسارت عینی و یا اعاده به وضع سابق بهترین روش جبران خسارت است، ولی بیشتر اوقات شرایط طوری است که اعاده به وضع سابق یا جبران عینی امکان‌پذیر نیست، حال که این‌گونه است چه‌کار باید کرد خسارت بدون جبران واگذارشده و از حق زیان‌دیده از بین می‌رود؟ در پاسخ باید گفت، که جبران خسارت عینی در صورتی است که امکان داشته باشد، حال آن روش امکان‌پذیر نیست فقها و حقوق‌دانان روش معادل یا بدل را برگزیده‌اند، چون جبران خسارت زیان‌دیده از طریق دادن معادل، یکی از راه‌های اصلی و متداول جبران خسارت است. (نظری، (۱۳۹۸)، ۱۸۹). این در صورتی است که اگر شیء تلف‌شده از اشیاء مثلی باشد مثل آن و اگر قیمی باشد، قیمت آن باید پرداخت شد؛ گر چند قانون مدنی افغانستان در مورد غصب، جبران خسارت عینی را برگزیده‌اند، ولی از برخی مواد دیگر معادل یا بدل را برگزیده‌اند: « در صورت اتلاف کلی، ضمان مال طور کامل و در صورت اتلاف جزئی، ضمان نقصانی که بر قیمت مال عاید گردیده است، بر ذمه تلف کننده است لازم می‌گردد». (ماده۷۶۱ قانون مدنی). همچنان ماده ۷۶۶ چنین مقرر می‌دارد: « درصورتی‌که مال مغصوبه از طرف غاصب استهلاک گردد و یا کل یا بعضی آن نزد وی هلاک شود و یا به سبب تعدی یا بدون تعدی وی تلف گردد، به ضمان مال مغصوبه مکلف دانسته می‌شود».(ماده ۷۶۶ قانون مدنی). به هر صورت درنهایت روش جبران خسارت را به محکمه واگذار کرده است که ماده ۷۸۱ بیان می-دارد: « طریقه جبران خسارت با رعایت احوال از طرف محکمه تعیین می‌گردد، جبران خسارت به‌صورت اقساط یا عواید مرتب پرداخت‌شده می‌تواند، که در این صورت مکلف ساختن مدیون بدادن تأمینات جواز دارد».(ماده ۷۸۱ قانون مدنی).

٦.تعیین میزان خسارت

تعیین میزان غرامت و خسارت توسط قاضی تعیین می‌گردد، حقوق افغانستان در این مورد چنین مقرر می-دارد: «محکمه جبران خسارت را به‌تناسب ضرر عایده تعیین می‌نماید، مشروط بر اینکه ضرر مذکور مستقیماً از فعل مضر نشئت کرده باشد». (ماده ۷۷۹ قانون مدنی). اگر قاضی میزان خسارت را به‌صورت دقیق تشخیص دهد متضرر می‌توان برای رسیدگی به موضوع درخواست تجدیدنظر کند، « هرگاه امکانات دقیق مقدار جبران خسارت نزد محکمه میسر نباشد، می‌تواند حق مطالبه تجدیدنظر را در مورد تعیین مقدار جبران خسارت، در خلال مدت معقول برای متضرر حفظ نماید». (ماده ۷۸۰ قانون مدنی). تقسیم‌بندی که توسط فقها و حقوقدانان صورت گرفته است، به صورتی است که خسارت از سوی دو یا چند به دیگری واردشده باشد، فرض بر این است که زیان زننده اشخاص بالغ و دارای اهلیت است حال سؤال این است که اگر همین خسارت از سوی دو یا چند طفل وارد شود جبران خسارت به چه صورت و به عهده چه کسی است؟!

در پاسخ به بخش اول سؤال باید گفت، که در صورت تعدد اسباب بین افراد بالغ و دارای اهلیت فرقی نیست، یعنی خسارتی که ایجادشده باید حتماً جبران شود به فرض‌های که به‌صورت مفصل بررسی شد، اما راجع به بخش دوم سؤال که ورود خسارت از سوی طفل است، باید گفت که دیدگاه فقها و حقوقدانان مختلف‌اند.

حقوق افغانستان که برگرفته از فقه حنفی است و قانون مدنی مصر است، درصورتی‌که صغیر ممیز یا غیر ممیز و یا کسی که در حکم صغیر است، اگر به دیگری خسارت وارد کند باید از مال خودش جبران شود، قانون مدنی افغانستان در این مورد چنین مقرر می‌دارد: « هرگاه صغیر ممیز یا غیر ممیز و یا شخصی که تابع حکم صغیر غیر ممیز پنداشته شود، مال غیر را تلف نماید، ضمان مال تلف‌شده از مال متعلق به خود وی لازم می‌گردد. در صورت نداشتن مال تا زمان دارا شدن وی مهلت داده می‌شود. ولی وصی و قیم به ضمان مال تلف‌شده مکلف پنداشته نمی‌شود، مگر درصورتی‌که محکمه آن‌ها را به ضمان مال مکلف سازد، در این صورت حق رجوع آن‌ها بر تلف کننده محفوظ هست».(ماده۷۶۲ قانون مدنی).

گر چند مواد۷۹۰ و ۷۹۱ قانون مدنی افغانستان مسئولیت جبران خسارت را به عهده پدر و پدربزرگ یا کسی به‌حکم قانون یا موافقت مکلف به مواظبت و نظارت غیر یا مجنون است، می‌گذارد ولی ماده ۷۹۲ جبران خسارت را از مالی کسی می‌داند که عامل بروز خسارت است.[1] شاید برای برخی خوانندگان محترم سؤال مطرح شود میان مواد ۷۶۲ و ۷۹۰ ۷۹۱ تعارض وجود دارد چون ماده ۷۶۲ تصریح دارد که جبران خسارت از مال خود صغیر جبران می‌شود و مواد ۷۹۰ و ۷۹۱ می‌گوید مسئولیت جبران خسارت به عهده پدر و پدربزرگ و کسی که به‌حکم قانون یا موافقت عهده دارد مواظبت و نظارت از صغیر و مجنون دارد!، برای رفع اشکال و توضیح بیشتر باید گفت که باید تفکیک قائل شد میان مسئول جبران خسارت و اینکه از مال چه کسی خسارت جبران شود، یعنی مطابق قانون مدنی افغانستان جبران خسارت باید از مال کسی صورت گیر که عامل ورود زیان است، یعنی اگر کودکی که به دیگری ضرر وارد می‌نماید مطابق حقوق افغانستان باید از مال خود وی جبران گردد ولی اینکه مسئولیت جبران خسارت به دوش کسانی است که کودک تحت نظارت آن‌ها است. فقهای امامیه در مورد خساراتی که ناشی از فعل زیان‌بار کودک‌اند، با توجه به احادیث متعدد که ناحیه پیامبر اکرم صلوات‌الله‌علیه و ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل‌شده است، اختلاف‌نظر دارد؛ نظیر این

---

[1] پدر و پدر کلان بالترتیب به جبران خسارت ضرری که صغیر عاید نموده، مکلف می‌باشد. مگر در صورت که ثابت نماید، مراقبت لازم را درزمینهٔ انجام داده یا اینکه ضرر باوجود مراقبت لازم حتماً واقع می‌گردید.(ماده ۷۹۰ قانون مدنی). (۱) شخصی که به‌حکم قانون یا موافقت، مکلفیت نظارت شخص را داشته باشد، باشد از اعمال مضره‌ی شخص تحت نظارت خود، مانند صغیر و مجنون، مسئول پنداشته می‌شود.
(۲) استخدام‌کننده از ضرری که از طرف شخص تحت استخدام وی به سبب عمل غیرمجاز حین اجرای وظیفه و یا به سبب آن واقع می‌گردد، مسئول پنداشته می‌شود.مگر اینکه قانون و یا موفقت طوری دیگری تصریح نماید.(ماده۷۹۱ قانون مدنی).
مسئول از عمل غیر، می‌تواند جبران خسارتی را که پرداخته است، از عامل مطالبه کند.(ماده ۷۹۲ قانون مدنی).

حدیث: «إنّ القلم یرفع عن ثلاثة عن صبی حتی یحتلم، و عن المجنون حتی یفیق و عن النائم حتی یستیقظ» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۳۲). برخی از فقها مراد از رفع در حدیث را رفع مؤاخذه و تکلیف است، لذا ضمان را شامل نمی‌شود. (طباطبایی مجاهد، بی‌تا، کتاب الحجر). برخی از فقها نظرش این است درصورتی‌که مجنون یا صغیر غیر ممیز مالی را تلف کند و تقصیری متوجه ولی او نباشد، هیچ‌کس ضامن نیست، و چنینی موارد را از مصادیق تلف سماوی می‌داند.(محقق داماد، ۱۳۸۹، ۸۹/۱). مرحوم آقای خویی می‌فرماید: «از آنجا که حدیث رفع در مقام برداشتن احکام الزامی به لحاظ طفولیت کودک بوده و مربوط به آن دوره است، می‌توان گفت کودک تا زمانی که کودک است، احکام الزامی متوجه او نمی‌شود، اما این مطلب منافاتی ندارد بااینکه سبب احکام الزامیِ در همان زمان کودکی محقق شده باشد. یعنی چنانچه کودک در زمان کودکی‌اش مال مردم را تلف کند، سبب ضمان محقق می‌شود، اما حکم الزامی بعد از بلوغ متوجه او می‌شود» (خویی، (۱۴۱۲)، ۴۰۷-۴۰۶).

۷.نتیجه‌گیری

بدون شک مسئولیت مدنی، ناشی از تعدد اسباب بخصوص که مسببان یک فعل زیان‌بار، اطفال باشند، یکی از مسائل غامض و پیچیده است، با وجود این وصف، مقاله حاضر به این نتیجه رسیده است که فقها و حقوقدانان، جبران خسارت و مسئولیتی که ناشی از اسباب متعدد باشد، اسباب را به صورتی: اسباب طولی، عرضی و اجمالی تقسیم گردند که در هر سه صورت تقسیم مسئولیت به گونه‌های مختلف و متفاوت‌اند، مثلاً در اسباب طولی نظریاتی همچون: ضمان مقدم بر تأثیر، تساوی، سبب بلا واسطه یا متصل به نتیجه و نظریه سبب متعارف؛ و در اسباب عرضی ایده‌های مانند: تساوی، نسبت تأثیر، تقصیر و نظریه تضامن مطرح است؛ و در اسباب اجمالی نظریاتی مانند: اختیار قاضی، تعیین مسئول با قرعه، توزیع مسئولیت و نظریه اخیر این است که خسارتی که توسط اسباب متعدد آن‌هم درصورتی‌که مسببان به‌صورت اجمالی معلوم است اما به‌تفصیل و مشخصاً معین نیست که از سوی چه کس یا کسانی، وارد شده است، باید از بیت‌المال مسلمین جبران شود، فرض‌ها و تقسیم که بیان شد برای این است که هیچ خسارتی بدون جبران نماند، اما اینکه چگونه و به چه شیوه جبران شود، نیز فقها و حقوقدانان اندیشه‌های مطرح کرده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود: جبران عینی خسارت یا اعاده به وضع سابق، جبران خسارت از راه دادن معادل یا بدل و نظریه دیگر این است که خسارت واردشده باید تعیین شود، و درنتیجه این‌که قانون مدنی افغانستان و فقه حنفی جبران خسارت را از مال خود طفل می-دانند.

منابع

ابن رجب ابوالفرج عبدالرحمن الحنبلی، (۱۴۰۷)، ***جامعه العلوم و الحکم***، بیروت: دارالجلیل.

ابن ماجه، محمد بن یزید، (بی‌تا)، ***سنن ابن ماجه***، قاهره: دار الاحیاء الکتب العربیهٔ.

اردبیلی، احمد، (۱۴۱۶)، ***مجمع الفائدهٔ و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان***، موسسه نشر اسلامی.

امام خمینی ره، سید روح‌الله،(۱۳۹۰)، ***تحریر الوسیله***، نجف الاشرف: مطبعهٔ الآداب.

امامی، سید حسن، (۱۳۵۱)، ***حقوق مدنی***، ج ۴، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامیه.

امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، (۱۳۷۸)، ***حقوق تعهدات***، ج۱، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

حر عاملی، محمد، (۱۴۰۳)، ***وسائل الشیعه***، جلد اول، تهران: المکتبهٔ الاسلامیه.

حسینی عاملی، سید محمدجواد، (۱۴۲۸)، ***مفتاح الکرامهٔ فی شرح قواعد العلامهٔ***، موسسه نشر اسلامی.

حلی، حسن بن یوسف، (علامه حلی)، (۱۴۱۶)، ***تذکرهٔ الفقهاء***، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

خوانساری، سید احمد،(۱۴۰۵)، ***جامع المدارک***، تهران: مکتبهٔ الصدق.

ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۱)، ***اصول مسئولیت مدنی***، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، چاپ اول، تهران: نشر میزان. همان، (۱۳۸۶)، ***تحلیل رویه قضایی درزمینه مسئولیت مدنی***، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

سرخسی، محمد بن احمد شمس الائمه، (۱۴۲۰)، ***المبسوط***، بیروت: دار المعرفه.

السیوطی، جلال‌الدین(بی‌تا)، ***الاشباه النظایر***، بیروت: دار الفکر.

صفایی، سید حسن(۱۳۹۸)، ***دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها***، ج۱، چاپ اول، تهران: موسسه عالی حسابداری.

طباطبایی (مجاهد)، محمد، (بی‌تا)، ***المناهل***، (بی‌نا) چاپ سنگی.

طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸)، ***ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل***، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

عاملی، زین‌الدین(شهید ثانی)، بی‌تا، ***مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام***، موسسه المعارف الاسلامیهٔ. و (۱۳۰۹)، ***الروضهٔ البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه***، قم: انتشارات اسلامیهٔ.

عاملی، شمس‌الدین محمد بن مکی(شهید اول)،(۱۴۱۱)، ***اللمعهٔ الدمشقه***، یلدا. و(۱۴۱۴)، ***الدروس الشرعیهٔ فی فقه الامامیهٔ***، موسسه نشر اسلامی.

عمید، حسن، (۱۳۷۵)، ***فرهنگ فارسی عمید***، موسسه انتشارات امیرکبیر.

فاضل لنکرانی، محمدجواد، (۱۴۲۵)، ***القواعد الفقهیهٔ***، مرکز فقه الائمهٔ الاطهار.

فراهیدی البصری، خلیل بن احمد، بی‌تا، ***کتاب العین***، دار المکتبه الهلال.

فیومی، احمد بن محمد، بی‌تا، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***، منشورات دار الرضی.

قانون مجازات اسلامی۱۳۹۹.

قانون مدنی افغانستان.

قانون مسئولیت مدنی ایران.

قرویني الرازی، احمد بن فارس، (۱۳۹۹ه)، ***معجم مقاییس اللغهٔ***، دار الفکر.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، ***حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری***، ج۱ چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

الکاسانی، علاءالدین،(۱۹۲۸)، ***بدایع الصنایع***، بیروت، دارالکتاب العربی.

کرکی، حسین، (محقق ثانی)، (۱۴۱۱)، ***جامعه المقاصد فی شرح القواعد***، آل البیت الحیاء التراث.

کرمی، محمدباقر، (۱۳۷۷)، ***مجموعه استفتائات فقهی و نظریات اداره حقوقی راجع به قتل.***

محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۳)، ***مقالات حقوقی***، جلد دوم، بخش مدنی، تهران: نشر علوم اسلامی.

مصطفی، ابراهیم، الزیات، احمد و دیگران، بی‌تا، ***معجم الوسیط***، دار الدعوة.

مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۲۵)، ***القواعد الفقیهة***، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

منظور، محمد بن مگروم(۱۴۱۴)، ***لسان العرب***، بیروت: دار الصادر.

موسوی بجنوردی، سید میرزا حسین، (۱۳۹۱)، ***القواعد الفقهیة***، نجف الاشرف: مطبعة الآداب.

موسوی خویی، ابوالقاسم(۱۴۱۲)، ***مصباح الفقاهة***، بیروت: دار الهادی.

نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۲)، ***جواهر الکلام***، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

مسئولیت مدنی ناشی از تعدی به سایر حقوق افغانستان